



ASIAN AND MIDDLE EASTERN STUDIES TRIPOS PART II

Middle Eastern Studies

Friday 1 June 2012

13.30 – 16.30

MES. 32 ADVANCED PERSIAN

*Answer **all** questions.*

*Write your number **not** your name on the cover sheet of **each** answer booklet.*

STATIONERY REQUIREMENTS

20 Page Answer Book x 1

Rough Work Pad

SPECIAL REQUIREMENTS

None

You may not start to read the questions printed on the subsequent pages of this question paper until instructed that you may do so by the Invigilator.

1. Translate the following **unseen** passage into **English** [20 marks]:

۱ مؤلفه‌های ناسیونالیسم رمانتیک در آثار هدایت

نوشته‌های باستان‌گرایانه هدایت محصول دو عامل است: عامل اول فضای فکری، فرهنگی و سیاسی-اجتماعی عصر اوست و عامل دوم متأثر از روحیات، خلق و خو و ویژگی‌های شخصی وی. هدایت در خانواده‌ای علاقمند به ادب و هنر بدنیا آمد. گرچه پدرش از نظر مالی همچون پدر بزرگ و یا جد بزرگش نبود، با این حال از او انسانی با طبعی منحصر بفرد ساخت و وی را با ویژگی‌های خاصی تحویل جامعه داد. تمایلات غرب‌گرایانه خانواده تأثیر فراوان بر او گذاشت. سرکشی در مقابل آداب و نظم موجود، احساس فاصله از عوام، ضدیت با دین و نقد خرافات از او موجودی منزوی ساخت که بیزار از رسوم حاکم بر جامعه بود. به خاطر نگاه تلخش در بحث‌های اجتماعی بیشتر به نقد وضع موجود می پرداخت تا به ترسیم وضع مطلوب و آرمانی خود. در عوض به باز آفرینی گذشته ای آرمانی می پرداخت که تسکینی برای دردهای بی درمان حال باشد.

هدایت در آثار خود به شکوه و عظمت ایران و مقام و منزلت آثار فرهنگی و هنری این مملکت می پردازد و از هیچ چیز چشم نمی‌پوشد. در «اصفهان نصف جهان» از غفلت ایرانیان نسبت به میراث فرهنگی و گنجینه‌های خود گله می‌کند و در «میهن پرست» از کسانی که فریب کارانه ادعای میهن پرستی دارند شکوه سر می‌دهد. در سال ۱۳۰۹ ش «پروین دختر ساسان» را در همین راستا می‌نویسد و در آن دختری را ترسیم می‌کند که پس از تسخیر شهر «راغا» - ری کنونی - در سال ۲۲ هجری به دست مسلمانان اسیر می‌شود. سربازان، او را در ازای چند سکه به فرمانده عرب می‌دهند. چون زیباست فرمانده عرب می‌خواهد او را مسلمان کند و سپس به عقد خود در آورد. ولی او زیر بار اسلام نمی‌رود و خود را با خنجر فرمانده عرب می‌کشد.

در همان سال‌های ابتدایی شکل‌گیری گروه ربهه (چهار) در سال ۱۳۱۰ ش اعضای گروه کتاب *انیران* را به چاپ رساندند که در آن بزرگ علوی «دیو» را درباره هجوم اعراب به ایران، هدایت «سایه مغول» را درباره حمله مغول و شهین پرتو «شب بد مستی» را در مورد حمله اسکندر نوشتند. همچنین بزرگ علوی داستان «باد سام» را منتشر کرد و در آن به ستایش ایران باستان پرداخت و مجتبی مینوی *نامه تنسر* و *نوروزنامه* را انتشار داد. حس نوجویی این جریان در پی تلفیق فرهنگ و ادب کهن ایرانی با مضامین اروپایی بود.

2. Translate the following **unseen** passage into **English** [20 marks]:

۱ مازیار: بیا اینجا روی کاه پهلوی هم بنشینیم. چرا این قدر رنگت پریده، لاغر و پژمرده شده ای؟ نه، من نباید این پرسش را بکنم.

شهرناز: دو ماه و نیم است، از آن وقتی که از هم جدا شدیم، که من خواب و خوراک ندارم. کفش به پایم سنگینی می کند، یک وزنی مرا به سوی زمین می کشد... مثل این است که که جانوری چنگالش را به دوشم فرو برده... شبها در رختخواب گریه می کنم. به هر جا نگاه می کنم تهی است، مردم به نظرم دیو و اژدها می آیند... دیروز بود ماهویه خواهر بزرگت را دیدم که دستهایش را از پشت بسته بودند و یک عرب به او سیلی زد.

۵

مازیار: شهرناز، من الان قوه ای در خودم احساس می کنم که می توانم انتقام هفت پشت خودم را از این عرب های بی سر و پا بگیرم. دیدار تو به من شهامت می دهد.

۱۰

شهرناز: بزرگترین آرزوی من این بود که نزدیک تو بمیرم.

مازیار: از مرگ حرف نزن، با هم فرار خواهیم کرد. همه وسایل فرار را شادان درست کرده، با هم می رویم به طبرستان، زندگی بهتری را از سر می گیریم... اگر چه امید خیلی دور و نامعلوم است ولی حالا دنیا در دست من است چون تو را دارم.

۱۵

شهرناز: باز هم بگو، بگذار صدایت را بشنوم، بگو که دوستم داری. صدای تو از هر سازی به گوشم دلنوازتر است.

مازیار: من همیشه تو را دوست داشتم، از همان دفعه اولی که تو را دیدم، آن لبخند فریبنده ات... کیست که در چشمهایت نگاه بکند و تو را دوست نداشته باشد؟... نه احتیاجی به گفتن ندارم. بهتر آنست که حرف نزنم. چون زبان آدمیزاد ناقص است،... حس می کنم که نمی توانم فکر و احساسات خودم را برایت شرح بدهم، و خودت هم می دانی. باید بدانی که در خاموشی بهتر می توانم با روح حرف بزنم و به اسرار وجود یکدیگر در خاموشی بهتر می توانیم پی ببریم. آیا چنین نیست؟

۲۰

۲۵

3. Write an essay in **Persian** of about **400 words** on **one** of the following [30 marks]:

- (a) Give an account of Sadeq Chubak's world in *Chashm-e Shishe-i* and *Arusakforushi*.
- (b) Review Bahram Beyzaie's *Marg-e Yazdgerd*.
- (c) Discuss two of your favourite Persian songs and explain why you like them.

END OF PAPER